سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی

محمدرضا غفوری ورنوسفادرانی[۱]، محسن گل‌پرور[۲]، ایران مهدی‌زادگان[۳]

چکیده

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف بررسی امکان پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی با استفاده از سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش‌های مذهبی انجام گرفته است.

مواد و روش‌ها: این پژوهش به روش مورد- شاهد طراحی شد. نمونه شامل ۴۹ زوج (۹۸ نفر) متقاضی طلاق و ۵۲ زوج (۱۰۴ نفر) عادی بود. در این پژوهش برای انتخاب نمونه طلاق از جامعه زوج‌های متقاضی طلاق به روش نمونه در دسترس و برای انتخاب نمونه عادی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای- تصادفی استفاده شد. همه زوج‌ها به وسیله پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی بزرگسالی Hazan و Shaver و پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی آذربایجانی مورد سنجش قرار گرفتند. در این پژوهش برای تحلیل داده‌ها علاوه بر روش آمار توصیفی، روش تحلیل ممیز به کار بسته شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده، فرضیه پژوهش را مبنی بر توان پیش‌بینی سبک دلبستگی ایمن، عقاید و اخلاق در پیش‌بینی موفقیت رابطه زناشویی تأیید کردند. این نتایج الگوی ارایه شده در این پژوهش را با جزئیات آن مورد تأیید قرار داد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش مؤید این است که موفقیت و شکست در رابطه زناشویی را می‌توان از طریق متغیرهای سبک دلبستگی و نگرش‌های مذهبی پیش‌بینی نمود؛ هر چه زوجین دارای سبک دلبستگی ایمن بالاتر و سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرای پایین‌تری باشند و همچنین از نظر نگرش‌های مذهبی در سطح بالاتری باشند، احتمال موفقیت در رابطه زناشویی آن‌ها بالاتر است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، نگرش مذهبی، موفقیت رابطه زناشویی، شکست رابطه زناشویی، طلاق.

نوع مقاله: تحقیقی

دریافت مقاله: ۸۷/۱۰/۲۱ پذیرش مقاله: ۸۸/۴/۱۰

مقدمه

استحکام خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نقش بسیار تعیین کننده‌ای در سلامت و موفقیت اجتماع دارد. به همین جهت بسیاری از محققان حوزه‌های مختلف نظیر جامعه شناسی، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت در

۱- کارشناس ارشد روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران (نویسنده مسؤول) E-mail: ghafouri.mr@gmail.com
۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.
۳- مربی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان، اصفهان، ایران.

www.mui.ac.ir
[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]

پی یافتن عواملی هستند که بر دوام خانواده و موفقیت رابطه زناشویی تأثیر می‌گذارند. از آن‌جا که موفقیت یا شکست رابطه زناشویی همسران در گرو پذیرش و اعتقاد به ارزش‌های خاصی مثل نگرش مذهبی و برخی از ویژگی‌های شخصیتی از جمله دلبستگی است (۱)، در این مطالعه دو پیش‌بین مهم موفقیت و شکست رابطه زناشویی، سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی در نظر گرفته شد.

اولین بار Bowlby به سبک دلبستگی در افراد توجه نمود (۲). وی شکل‌گیری پیوندهای صمیمی با سایر افراد را مؤلفه اساسی طبیعت انسان می‌داند و در نظریه دلبستگی خود بیان می‌کند که باورها، انتظارات و الگوهای ذهنی پایدار نوزاد در مورد مادر و خود در چارچوب رابطه مادر- نوزاد شکل می‌گیرد (۲). نظریه پردازان دلبستگی این باورها را به منزله تجسم ذهنی تجربه‌های فرد در مورد خود در نظر می‌گیرند (۴، ۳). Bowlby اعتقاد راسخی داشت که دلبستگی‌های شکل گرفته در کودکی، بر بزرگسالی تأثیر می‌گذارند (۲). وی هم‌چنین خاطر نشان ساخت دلبستگی بین کودک و مراقب اولیه (اغلب مادر) درونی شده، به عنوان یک مدل روانی عمل می‌کند که روابط دوستی و عاشقانه بر آن استوار می‌شوند (۵). بنابراین، اولین دلبستگی برای هر رابطه‌ای اهمیت زیادی دارد (۶). تصور محققان این است که دلبستگی ایجاد شده در دوران کودکی هم‌چنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می‌یابد و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (۷).

چنانچه از توضیحات ارایه شده، بر می‌آید روابط دلبستگی همیشه وجود دارند و در سراسر چرخه زندگی فعال هستند و بر کار و روابط اجتماعی مؤثرند (۶). Roberson نیز تصریح نموده است که سبک‌های دلبستگی، سایر جنبه‌های زندگی فردی را در بر می‌گیرد و بر روابط بعد از دوران کودکی با سایر افراد تأثیر گذار می‌باشد (۸). Ainsworth با طراحی آزمایش موقعیت ناآشنا ادراکات و رفتارهای کودکان را، هنگامی که مراقبشان (اغلب مادر) از آن‌ها جدا می‌شد، ارزیابی می‌نمود (۸). نتیجه این آزمایش و اندازه‌گیری معرفی سه طبقه یا سه سبک مهم دلبستگی بود که شامل سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی (اضطرابی- اجتنابی) و سبک دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی- دوسوگرا) بود. دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (۹). استمرار سبک دلبستگی در فرایند تحول، موضوع پژوهش‌های جدید در این زمینه بود و نتایج به دست آمده نیز این استمرار را تأیید می‌کنند (۴). نظریه دلبستگی تنها یک نظریه تحولی برای دوران کودکی نیست، بلکه نظریه تحول در گستره حیات نیز هست (۱۰، ۳، ۲). West و Sheldon-Keller دلبستگی بزرگسالان را به عنوان روابط دو به دویی می‌دانند که در کنار یک شخص ویژه دست یافتن به احساس ایمنی را در پی دارد (۱۱). Hazan و Shaver ویژگی‌های زیر را برای افراد ایمن، اجتنابی و دوسوگرا بیان نموده‌اند (۱۲). بزرگسالان ایمن از اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی به نسبت پایدار و رضایت‌بخش برخوردارند. بزرگسالان اجتنابی ممکن است علاقمند به برقراری روابط عاطفی و صمیمی باشند، اما در هر حال از این نوع روابط ناراضی هستند و تمایلی به برقراری روابط صمیمی دراز مدت ندارند. این افراد از خود افشاگری هراسانند و از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند. افراد دوسوگرا از طرد شدن و ترک شدن نگرانند، در روابط با دیگران مستعد بی‌اعتمادی هستند، با وجود مخاطرات روابط صمیمی، مشتاق برقراری چنین روابطی هستند و ممکن است به گونه‌ای نامناسب به خود افشاگری صمیمانه بپردازند. چنین افرادی ممکن است با یک نگاه عاشق شوند و قهر و آشتی‌های مکرر داشته باشند.

در این پژوهش از نظریه دلبستگی بزرگسال استفاده شده است. نظریه دلبستگی بزرگسال (۱۴-۱۲)، که از نظریه دلبستگی Bowlby (۲) و Ainsworth و Bowlby (۱۴) نشأت گرفته است، برای تبیین تفاوت‌های فردی در شناخت‌ها، احساسات و رفتارهایی که در زمینه روابط نزدیک (صمیمی) در دوره جوانی رخ می‌دهد، مطرح شده است. بر

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir

طبق این نظریه تفاوت‌های فردی در سبک دلبستگی از تجربیات افراد از روابط نزدیک قبلی آن‌ها نشأت می‌گیرد که این تجربیات با رابطه دلبستگی بین کودک و مراقب اولیه (اغلب مادر) شروع می‌شود (۱۵). نظریه دلبستگی پیش‌بینی می‌کند که دلبستگی ایمن احتمال دارد به اعتماد به نفس در کودکان و ثبات در روابط دوستی و روابط عشقی رمانتیک در بزرگسالان بیانجامد (۱۶). Hazan و Shaver پیش‌بینی کردند که انواع مختلف سبک‌های دلبستگی نوع، مدت و ثبات روابط عشقی بزرگسالان را متمایز می‌کنند (۱۲). به عبارتی این پژوهشگران پیش‌بینی نمودند افرادی که دلبستگی ایمن دارند در روابط عشقی اعتماد، صمیمیت و هیجان‌های مثبت بیشتری را نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن خواهند داشت. آن‌ها همچنین پیش‌بینی نمودند بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی از صمیمیت می‌ترسند و اعتماد ندارند، در حالی که بزرگسالان دوسوگرا، به روابط اشتغال ذهنی خواهند داشت و نسبت به آن نگران خواهند بود. Fraley و Shaver دریافتند که بزرگسالان دلبستگی ایمن بیشتر از بزرگسالان ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) باور داشتند که عشق رمانتیک می‌تواند با دوام باشد (۱۳). از این گذشته بزرگسالان دلبستگی ایمن در مورد عشق به طور کلی کمتر بدبین بودند، روابط با دوام‌تری داشتند و کمتر از بزرگسالان اجتنابی و دوسوگرا طلاق می‌گرفتند.

اغلب پژوهشگران بر این باورند که وجود عقاید مذهبی تأثیر به سزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار و دارای معنی باشد. عدم ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌باشد (۱۷). بررسی‌های متعدد انجام شده در زمینه رابطه بین مذهب و رضایتمندی زناشویی حاکی از وجود رابطه مثبت بین این دو متغیر است. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نشان داده‌اند افرادی که به مدت طولانی با هم زندگی کرده بودند، مذهب را به عنوان مهم‌ترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی کرده‌اند (۱۹-۱۷، ۱). Dudley و Kosinski به بررسی رابطه ایدوئولوژی مذهبی، تشریفات مذهبی، تجربه و رضایت زناشویی در میان ۲۲۸ فرد متأهل پرداختند (۲۰). نتایج این تحقیق نشان داد که یک همبستگی قوی بین رضایت زناشویی و اعمال مخصوص مذهبی، انگیزه درونی مذهبی و تجربه مذهبی (احساس نزدیکی به خدا) وجود دارد. در پژوهش دیگر ۱۵ زوج را که سن آن‌ها ۳۰ سال و بالاتر بود، بررسی کردند و نشان دادند که جهت‌گیری مذهبی بر روی صمیمیت، تعهد و ارتباط زناشویی تأثیر دارد (۲۱). پژوهشگران دیگری نیز در پژوهشی متشکل از ۲۰ زوج به این نتیجه رسیدند که از لحاظ بین فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می‌کند که فرد در هنگام خشم، به خدا توجه کند و حمایتی برای هر دو زوج ایجاد می‌کند که از تعارض با یکد یگر اجتناب کنند. ارتباط با خدا نقشی تعاملی و جبرانی در رابطه با روابط زناشویی دارد (۲۲).

پژوهش حاضر با توجه به اهمیت سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش‌های مذهبی در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش مذهبی قادر به پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی می‌باشند؟ بنابراین پژوهش حاضر به منظور پاسخ‌گویی به این سؤال طرح‌ریزی شده است. افزایش آمار طلاق در چند دهه اخیر و پیامدهای منفی فراوانی که به همراه دارد مانند خطر ابتلا به بیماری‌های جسمی و روانی، افزایش میزان تصادفات منجر به مرگ، خودکشی، افسردگی، انزوا و احساس ناتوانمندی و عدم کارایی به صورت آشکاری اهمیت نظری، کاربردی و روش‌شناسی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد (۲۳). بنابراین در این پژوهش به طور اخص بررسی فرضیه زیر مد نظر بود:

ترکیب خطی سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش‌های مذهبی قادر به پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی می‌باشند.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]

www.mui.ac.ir

مواد و روش‌ها

از آن جا که هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی با استفاده از سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش‌های مذهبی می‌باشد و مطالعه بر روی دو گروه متقاضی طلاق و گروه عادی انجام شد، پژوهش به روش مورد- شاهد طراحی و از طریق محاسبات همبستگی از نوع پیش‌بینی عضویت گروهی (موفقیت یا شکست رابطه زناشویی) اهداف مطالعه پیگیری شد.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه زوج‌های عادی شهر اصفهان و زوج‌های متقاضی طلاق (که از طرف دادگستری اصفهان به مراکز مشاوره ارجاع داده شده بودند) تشکیل می‌دادند. برای انتخاب زوج‌های متقاضی طلاق از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد و بدین‌وسیله ۴۹ زوج (۹۸ نفر) متقاضی طلاق انتخاب گردید. برای انتخاب زوج‌های عادی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد؛ به این صورت که ابتدا به صورت تصادفی ساده، چهار منطقه در شهر اصفهان انتخاب گردید و سپس با استفاده از فهرستی که از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان تهیه شده بود، با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۶۱ زوج (۱۲۲ نفر) انتخاب شدند که تعداد ۹ زوج آن‌ها به دلیل مراجعه به دادگاه خانواده به عنوان زوج‌های عادی تشخیص داده نشدند و از نمونه کنار گذاشته شدند. بنابراین تعداد ۵۲ زوج (۱۰۴ نفر)، نمونه زوج‌های عادی این پژوهش را تشکیل دادند. پس از توضیحاتی که در مورد هدف اجرای پژوهش، اهمیت و ضرورت آن برای آزمودنی‌ها ارایه گردید، آن‌ها رضایت و علاقه خود را برای تکمیل پرسشنامه‌ها اعلام نمودند، سپس پرسشنامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار داده شد.

ابزار سنجش

۱- پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالی: این پرسش‌نامه دارای ۱۵ سؤال است و توسط Hazan و Shaver ساخته شده است (۱۲). برای این پرسش‌نامه مقیاسی پنج درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت در پیوستاری از «۱» هرگز، «۲» به طور اتفاقی، «۳» بعضی از اوقات، «۴» اغلب اوقات و «۵» تقریباً همیشه در نظر گرفته شد. این پرسش‌نامه شامل سه خرده مقیاس است که هر خرده مقیاس شامل ۵ سؤال می‌باشد. تحلیل عاملی این پرسش‌نامه توسط Collins و Read به استخراج سه عامل عمده منجر شد (۲۴). سازندگان آزمون پایایی بازآزمایی کل این پرسش‌نامه را ۰/۸۱ و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند که پایایی مطلوبی را نشان می‌دهد (۱۲). روایی همزمان این ابزار با استفاده از مصاحبه ساختمند توسط Main محاسبه گردید که برای سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۹، سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۸۴ و سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۷۸ به دست آمد (۲۵). در پژوهش حاضر نیز ضرایب پایایی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای خرده مقیاس سبک دلبستگی ایمن ۸۷/، خرده مقیاس سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۹۱، و خرده مقیاس سبک دلبستگی دوسوگرا ۰/۹۰ بود.

۲- پرسش‌نامه جهت‌گیری مذهبی: این پرسش‌نامه توسط آذربایجانی و با رویکردی اسلامی تهیه شده است (۲۶). این پرسش‌نامه شامل ۶۰ سؤال می‌باشد که برای پاسخ‌گویی آن مقیاسی چهار درجه‌ای از نوع مقیاس لیکرت در پیوستاری از «۱» کاملاً مخالفم، «۲» تا حدودی مخالفم، «۳» تا حدودی موافقم و «۴» کاملاً موافقم در نظر گرفته شده است. این پرسش‌نامه از دو خرده مقیاس تحت عنوان عقاید و مناسک و اخلاق تشکیل شده است. آذربایجانی آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه را برای بعد عقاید و مناسک ۰/۸۴ و برای بعد اخلاق ۰/۷۹ محاسبه نمود (۲۶). برای بررسی روایی پرسش‌نامه نیز از روش روایی سازه‌ای استفاده شد. روایی سازه‌ای پرسش‌نامه مذکور از طریق تحلیل عاملی اکتشافی محاسبه گردید که با توجه به بارهای عاملی مشخص شده (بارهایی که مقدار آن‌ها بالاتر از نقطه برش مشخص شده بودند)، منتج به استخراج دو عامل عقاید و مناسک و اخلاق

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir

گردید. در پژوهش حاضر نیز ضرایب پایایی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ به ترتیب برای بعد عقاید و مناسک ۰/۹۱ و برای بعد اخلاق ۰/۷۷ حاصل شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، پیش‌بینی عضویت گروهی (موفقیت یا شکست رابطه زناشویی) و دستیابی به معادله ممیز از روش آماری تحلیل ممیز (تحلیل تشخیص) به روش همزمان استفاده شد. تحلیل ممیز همزمان به این دلیل استفاده شد که از طریق به کارگیری این روش (همزمان)، تصویری یک‌پارچه از نقش متغیرهای پیش‌بین برای پیش‌بینی متغیر ملاک (موفقیت و شکست رابطه زناشویی) فراهم گردد.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی متغیرهای پیش‌بین پژوهش به تفکیک برای زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در جدول ۱ ارایه شده است.

چنانچه در جدول ۱ مشاهده می‌شود زوج‌های متقاضی طلاق در سبک دلبستگی اجتنابی و سبک دلبستگی دوسوگرا نسبت به زوج‌های عادی میانگین نمرات بالاتری کسب نموده‌اند؛ در مقابل زوج‌های عادی در سبک دلبستگی ایمن، عقاید و مناسک و اخلاق میانگین نمرات بالاتری کسب نموده‌اند. به طور کلی می‌توان بیان نمود که زنان و مردان در گروه متقاضی طلاق ویژگی‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا را بیشتر نشان می‌دهند. به همین ترتیب زنان و مردان در گروه عادی ویژگی‌های سبک دلبستگی ایمن را بیشتر از دو سبک دیگر دارا می‌باشند. همچنین در بعد عقاید و مناسک و بعد اخلاق نیز نسبت به گروه متقاضی طلاق نمرات بالاتری کسب نموده‌اند.

در جدول ۲ نتایج آزمون برابری میانگین متغیرهای پیش‌بین پژوهش ارایه گردیده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در متغیرهای پیش‌بین

متغیرهای پیش‌بین	زوج‌های متقاضی طلاق		زوج‌های عادی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
سبک دلبستگی اجتنابی	۱۷/۳۲	۳/۹۵	۱۴/۷۴	۴/۸۹
سبک دلبستگی ایمن	۱۳/۸۰۰	۱/۶۶	۱۸/۹۲	۱/۷۹
سبک دلبستگی دوسوگرا	۱۷/۹۷	۲/۲۹	۱۶/۷۶	۵/۲۰
عقاید و مناسک	۸۴/۸۲	۱۴/۱۰	۱۰۱/۷۳	۱۶/۳۵
اخلاق	۶۷/۳۵	۱۰/۹۴	۷۸/۰۴	۱۳/۴۲

جدول ۲. آزمون برابری میانگین متغیرهای پیش‌بین پژوهش

متغیرهای پژوهش	لامبدای ویلکز	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی۲	معنی‌داری
سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۸۷	۲۶/۴۷	۱	۲۰۰	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی ایمن	۰/۳۵	۳۳۹/۱۲	۱	۲۰۰	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی دوسوگرا	۰/۹۴	۱۲/۳۳	۱	۲۰۰	۰/۰۰۱
عقاید و مناسک	۰/۷۸	۵۰/۶۱	۱	۲۰۰	۰/۰۰۱
اخلاق	۰/۸۵	۳۳/۱۲	۱	۲۰۰	۰/۰۰۱

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]

www.mui.ac.ir

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود از لحاظ همه متغیرهای مورد بررسی شامل سبک دلبستگی اجتنابی ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۲۶/۴۷$)، سبک دلبستگی ایمن ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۳۳۹/۱۲$)، سبک دلبستگی دوسوگرا ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۱۲/۳۳$)، بعد عقاید و مناسک ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۵۰/۶۱$) و بعد اخلاق ($P < ۰/۰۱$ و $F = ۳۳/۱۲$) بین دو گروه زوجین متقاضی طلاق و عادی شهر اصفهان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون چند متغیری لامبدای ویلکز نیز چنین نتایجی را تأیید می‌نماید.

جدول ۳. اطلاعات مهم تابع تشخیص (ممیز) به روش همزمان

اطلاعات مهم تابع ممیز	تحلیل ممیز به روش همزمان
همبستگی متعارف	۰/۸۲۵
لامبدای ویلکز	۰/۳۱۹
مجذور کای	۲۰۳/۸۱۲
معنی‌داری	۰/۰۰۱
میانگین مقدار تابع ممیز برای زوجین متقاضی طلاق	-۰/۹۶
میانگین مقدار تابع ممیز برای زوجین عادی	۲/۱۹
پیش‌بینی عضویت گروهی	٪۹۵/۵

چنانچه در جدول ۳ ملاحظه می‌شود همبستگی متعارف ۰/۸۲۵، لامبدای ویلکز ۰/۳۱۹ و مجذور کای تابع ممیز نیز ۲۰۳/۸۱۲ محاسبه شده است. هم آزمون لامبدای ویلکز و هم مجذور کای در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار هستند. بنابراین، فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و می‌توان گفت که تابع ممیز به دست آمده به صورت معنی‌داری از قدرت تشخیص قابل توجهی برای دو سطح از متغیر ملاک برخوردار است. میانگین مقدار تابع ممیز برای گروه متقاضی طلاق ۰/۹۶- و برای گروه عادی ۲/۱۹ می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌شود این مقدار برای گروه متقاضی طلاق منفی و برای گروه عادی مثبت است که بیانگر این است که نقطه برش شکست و موفقیت در رابطه زناشویی برای تابع ممیز به دست آمده، صفر است و حاکی از آن است که تابع ممیز به دست آمده، تابع تشخیصی بسیار مناسبی در متمایز نمودن گروه زوج‌های متقاضی طلاق و عادی می‌باشد. بنابراین اگر نمره‌های یک زوج در معادله ممیز به دست آمده، گذاشته شود و نمره مثبت باشد، آن زوج موفق و اگر منفی باشد، آن زوج ناموفق خواهد بود. در آخرین ردیف جدول نیز میزان پیش‌بینی عضویت گروهی ارایه شده است که این مقدار ۹۵/۵ درصد است. به عبارتی، در تابع ممیز مورد نظر ۹۵/۵ درصد زوج‌های متقاضی طلاق به درستی در گروه متقاضی طلاق و ۴/۵ درصد زوج متقاضی طلاق به اشتباه در گروه عادی قرار گرفته‌اند. به صورت واضح می‌توان گفت از بین ۴۹ زوج متقاضی طلاق گروه نمونه در حدود ۴۷ زوج به درستی در گروه متقاضی طلاق و حدود ۲ زوج به اشتباه در گروه عادی قرار گرفته‌اند. به طور کلی پس از همه این توضیحات با توجه به جدول ۳ می‌توان این نتیجه‌گیری کلی را بیان نمود که ترکیبی از پنج متغیر پیش‌بین که با هم وارد تحلیل شده‌اند، با توجه به مقدار لامبدای کوچک، مجذور کای بزرگ، سطح معنی‌داری $P < ۰/۰۰۱$ و تابع ممیز (تشخیص) به دست آمده، از قدرت تشخیصی خوبی برای تبیین متغیر ملاک یعنی گروه (در دو سطح زوج‌های متقاضی طلاق و عادی) برخوردار است. بنابراین فرضیه تحقیق تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل آماری حاکی از تأیید فرضیه پژوهش مبنی بر پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی با استفاده از سبک‌های دلبستگی بزرگسالی و نگرش‌های مذهبی می‌باشند. نتایج به دست آمده، گویای این واقعیت است که هر چه زوجین از ویژگی‌های مربوط به سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا به میزان بیشتر و از ویژگی‌های مربوط به سبک دلبستگی ایمن به میزان کمتری برخوردار باشند و از نظر نگرش‌های مذهبی در هر دو بعد عقاید و مناسک و اخلاق در سطح پایین‌تری قرار گیرند، پیش‌بینی شکست در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود. بر عکس هر چه زوجین به میزان بیشتری دارای ویژگی‌های سبک دلبستگی

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir

ایمن باشند و از ویژگی‌های سبک‌های اجتنابی و دوسوگرا به میزان اندکی برخوردار باشند یا فاقد آن‌ها باشند و از نظر نگرش‌های مذهبی در هر دو بعد عقاید و مناسک و اخلاق در سطح بالاتری قرار گیرند، موفقیت در رابطه زناشویی بیشتر خواهد بود.

یافته‌های این پژوهش با یافته‌های Mikulincer و Shaver (۲۷)، Ditommaso و همکاران (۲۸)، Bouchard و همکاران (۲۹)، Fraley و Shaver (۱۳)، Dudley و Kosinski (۲۰)، Robinson و Blanton (۲۱)، Marsh و Dollas (۲۲) و Gottman (۲۳) همسو می‌باشد. آن چه که برتری این پژوهش را نسبت به سایر پژوهش‌های مشابه نشان می‌دهد، این است که در این پژوهش برای اولین بار با استفاده از دو متغیر پیش‌بین سبک دلبستگی و نگرش‌های مذهبی به پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی اقدام شده است.

چنانچه در پیشینه پژوهش نیز اشاره شد، دلبستگی نظامی است که خود را در روابط نزدیک و عاشقانه بروز می‌دهد (۱۲) و مفهوم دلبستگی به همسر در مباحث مربوط به ازدواج از اهمیت به سزایی برخوردار است. این در حالی است که برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند افراد دارای سبک دلبستگی متفاوت در شناخت‌ها، احساسات و رفتارهایی که در زمینه روابط نزدیک بروز می‌دهند، دارای تفاوت‌های بنیادی می‌باشند (۱۶-۱۴). نتایج بعضی از پژوهش‌ها حاکی از این است که سبک‌های دلبستگی بر فرایندهای ذهنی مرتبط با روابط عاشقانه، رفتارهای افراد در چنین بافتی و پیامدهای چنین روابطی تأثیر گذارند (۲۸، ۱۵). همان طور که اشاره شد، نتایج پژوهش حاضر نیز بیانگر اهمیت سبک‌های دلبستگی در موفقیت و شکست روابط زناشویی بود.

وقتی در یک رابطه زناشویی زن و شوهر دارای سبک دلبستگی ایمن باشند و از نظر این نوع سبک دلبستگی تفاوت کمتری داشته باشند، به احتمال بیشتری یکدیگر را دوست خواهند داشت و به هم عشق خواهند ورزید. چنین همسرانی از اعتماد به نفس بالا، مهارت‌های اجتماعی مطلوب و توانایی برقراری روابط عاطفی و صمیمی به نسبت پایدار و رضایت‌بخش برخوردارند (۱۲). بنابراین در زندگی خوش مشرب خواهند بود و هر گاه احساس درماندگی نمایند، درماندگی خود را اعلام خواهند نمود و تقاضای حمایت می‌نمایند. چنین افرادی با اقدام به حل مسایل، احساسات منفی خود را تعدیل می‌نمایند و برای حفظ روابط رضایت‌بخش طولانی تلاش و کوشش می‌کنند. از سوی دیگر افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، هم به خود و هم به دیگران، اعتماد بالایی دارند (۳۰). اعتماد به خود، به عنوان یکی از ویژگی‌های درون فردی که دارای دلبستگی ایمن می‌باشد، به فرد این توانایی را می‌دهد که در روابط صمیمانه بین فردی با مهارت، اطمینان و آرامش بیشتر به تعامل بپردازد. برآیند اعتماد به خود و اعتماد به دیگران، به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی دلبستگی ایمن، برتری موقعیت زوج‌های موفق را نسبت به زوج‌های ناموفق یا کمتر موفق توجیه می‌نماید.

همسرانی که دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا هستند، به احتمال بیشتری از نوع روابط عاشقانه و زناشویی خود ابراز نارضایتی می‌نمایند، تمایلی به برقراری روابط صمیمی دراز مدت ندارند، از خود افشاگری هراسانند و از مهارت‌های اجتماعی بی‌بهره‌اند. چنین همسرانی همواره نگران طرد شدن و ترک شدن از سوی همسرشان هستند، در روابط با دیگران مستعد بی‌اعتمادی می‌باشند و در روابط خود قهر و آشتی‌های مکرر دارند (۱۲). با وجود چنین ویژگی‌هایی در بین همسران، آن‌ها کمتر به ارضای نیازهای اساسی فرد مقابل از جمله آرامش، مراقبت و کامرواسازی جنسی توجه دارند. هم‌چنین در مورد شریک خود وسواس و دل‌مشغولی بیشتری دارند و کمتر با یکدیگر به صحبت در مورد مسایل و مشکلات خود می‌پردازند و بنابراین احساس تعهد کمتری نسبت به همدیگر دارند (۱۶). لذا احتمال شکست در رابطه زناشویی و طلاق در بین چنین زوج‌هایی بیشتر می‌باشد. افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن (اجتنابی و دوسوگرا) دارای دو ویژگی اصلی دیگر نیز می‌باشند: فقدان اعتماد به خود و

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir

فقدان اعتماد به دیگران که این دو ویژگی مبنای دیگری را برای تبیین نتایج پژوهش فراهم می‌آورد. فقدان اعتماد به خود باعث می‌گردد چنین افرادی توانمندی خود را برای مواجهه با مشکلات و موانع روابط عاشقانه از دست بدهند و قدرت رویارویی فرد با موقعیت‌های مشکل‌زا را به تحلیل ببرد. هم‌چنین فقدان اعتماد به خود منجر به احساس درماندگی روان‌شناختی می‌شود که این پریشانی و درماندگی نیز به نوبه خود به احساسات خود کوچک بینی و اضطراب فرد دامن می‌زند. فقدان اعتماد به دیگران، صمیمیت روابط بین فردی، فرصت‌های یاری طلبی و جلب همدلی و همدردی دیگران و به ویژه همسر را از بین می‌برد و منجر به تخریب و شکست روابط زناشویی می‌شود.

با توجه به تحلیل ممیز ارایه شده در جدول ۳ و همچنین با مشاهده معادله پیش‌بینی، می‌توان دریافت نگرش‌های مذهبی نیز در پیش‌بینی موفقیت و شکست روابط زناشویی نقش معنی‌داری دارند. در تبیین نقش نگرش‌های مذهبی باید خاطر نشان ساخت که عدم ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود. مذهب باعث صبر و بردباری، احساس همدلی و انعطاف‌پذیری در روابط با دیگران می‌شود که این ویژگی‌ها در روابط زن و شوهر نقش دارند و موجبات رضایت زناشویی را فراهم می‌آورند (۲۰). علاوه بر این در خصوص تبیین نقش نگرش‌های مذهبی احتمال دارد بتوان به بیان Marsh و Dollas اشاره کرد که خاطر نشان می‌سازند اعمال مذهبی از لحاظ بین فردی، شرایطی ایجاد می‌کنند که فرد در هنگام خشم به خدا توجه کند (۲۲). این موضوع برای هر دو عضو، حمایتی ایجاد می‌کند که از تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. ارتباط با خدا یک نقش تعاملی و جبرانی در ارتباط با خدا دارد (۱).

چنانکه بیان گردید مدل مورد بررسی در این پژوهش مورد تأیید قرار گرفت و به عبارت دیگر مشخص شد از روی متغیرهای سبک دلبستگی و نگرش‌های مذهبی می‌توان موفقیت یا شکست در رابطه زناشویی را پیش‌بینی نمود. بر اساس این مدل می‌توان یک الگوی اصلاح نارسایی‌ها را در عملکرد زناشویی تدارک دید. همان طور که از نتایج این پژوهش مشخص است سبک‌های دلبستگی در مدل حاضر دارای نقش اصلی قلمداد می‌شود و بر این اساس یک رابطه دو سویه بین سبک دلبستگی فرد و کیفیت بازده زناشویی وجود دارد. بنابراین در آمادگی زوجین برای ازدواج و نیز کمک به زوجین برای آمادگی و مواجهه با مسایل ازدواج نباید قلمرو با اهمیت سبک‌های دلبستگی را از نظر دور داشت. با داشتن مدلی کارآمد، که بر اساس آن بتوان ارزیابی‌های شخصیتی- عاطفی مربوط به دلبستگی، ارزیابی‌های شناختی (نگرش‌های مذهبی) و بررسی مشابهت زوجین در این متغیرها را قبل از ازدواج پیش‌بینی نمود، اثر بخشی درمان و مداخله افزایش می‌یابد. متخصصین زوج درمانی با به کارگیری این مدل می‌توانند عوامل علّی و مسیرهای نفوذ را مجزا و مشخص کنند و از این طریق اثر بخشی درمان خود را افزایش دهند.

در پایان، این نکته را نیز باید در نظر گرفت که محدودیت‌هایی در این پژوهش وجود داشت که در مورد تفسیر قطعی یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری کلی، احتیاط‌هایی را بر پژوهشگر و خوانندگان تحمیل می‌کرد. از جمله این محدودیت‌ها کوچک بودن نمونه پژوهش و انتخاب گروه نمونه همسران متقاضی طلاق به روش نمونه‌گیری در دسترس بود که، به علت ماهیت جامعه مورد پژوهش (همسران متقاضی طلاق)، امکان انتخاب تصادفی نمونه وجود نداشت. همچنین پژوهش حاضر از نوع پژوهش مقطعی بوده، لذا ماهیت پژوهش نتیجه‌گیری علّی و تعمیم نتایج را با محدودیت مواجه می‌ساخت. امید است در آینده با انجام پژوهش‌های طولی و به کارگیری سایر طرح‌های پژوهشی به نتایجی با قابلیت تعمیم بالاتر دست یافت.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از شاغلین مراکز مشاوره به واسطه تدارک شرایط اجرای این پژوهش سپاسگزاری می‌نماییم. همچنین از تمامی دوستانی که پژوهشگران را در انجام این پژوهش یاری رساندند و از هیچ کمکی فروگذار ننمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌گردد.

References

1. Attari YA, Abbasi A, Mehrabizadeh Honarmand M. Examining simple and multiple relationships of religious attitude, optimism and attachment styles with marital satisfaction in male married students at Shahid Chamran University. Ahvaz: Shahid Chamran University; 2006. p. 93-110. [In Persian].
2. Bowlby J. Attachment and loss. vol 1. London: The Hograth Press and Institute of Psychology Analysis; 1969. p. 41-72.
3. Bowlby J. Separation: anxiety and anger; attachment and loss. New York: Basic Books; 1973. p. 23-39.
4. Main M, Kaplan N, Cassidy J. Security in infancy, Childhood and adulthood: A move to the level of representation. Monographs of the Society for Research in Child Development 1985; 50: 66-104.
5. Bowlby J. A secure base: parent-child attachment and healthy human development. New York: Basic Books; 1988. p. 83-91.
6. Goodwin I. The relevance of attachment theory to the philosophy, organization, and practice of adult mental health care. Clin Psychol Rev 2003; 23(1): 35-56.
7. Mikulincer M, Florian V, Tolmacz R. Attachment style and fear of personal death: A case study of affect regulation. Journal of Personality and Social Psychology 1990; 58(2): 273-80.
8. Roberson KC. Attachment and care-giving behavioral systems in inter country adoption: A literature review. Children and Youth Review 2006; 28(7): 727-40.
9. Feeney JA, Noller P. Attachment Styles as a Predictor of Adult Romantic Relationships. Personality and Social Psychology 1990; 58: 644-63.
10. Weiss RS. Attachment in adults. In: Sperling MB, Berman WH, Editors. The place of attachment in human behavior. New York: The Guilford Press; 1994. p. 233-61.
11. West ML, Sheldon-Keller AE. Patterns of Relating: An Adult Attachment Perspective. 1st ed. New York: The Guilford Press; 1994.
12. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. J Pers Soc Psychol 1987; 52(3): 511-24.
13. Fraley RC, Shaver PR. Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. Review of general psychology 2000; 4(2): 132-54.
14. Ainsworth MDS, Bowlby J. An Ethological Approach to Personality Development. American Psychologist 1991; 46(4): 333-41.
15. Noftle EE, Shaver PR. Attachment dimensions and the big five personality traits: Associations and comparative ability to predict relationship quality. Journal of Research in Personality 2006; 40: 179-208.
16. Karney BR, Bradbury TN. The longitudinal course of marital quality and stability: a review of theory, method, and research. Psychol Bull 1995; 118(1): 3-34.
17. Donahue J M, Benson LP. Religion and well being of adolescents. Social Issues 1995; 51(2): 145-60.
18. Bergin AE. Psychotherapy and religious values. J Consult Clin Psychol 1980; 48(1): 95-105.
19. Jones J W. Religion and Psychology in Transition: Psychoanalysis, Feminism, and Theology. 1st ed. London: Yale University Press; 1996.
20. Dudley M, Kosinski F. Religiosity and marital satisfaction: A research note. Review of Religious Research 1990; 32(1): 78-86.
21. Robinson L, Blanton P. Marital strengths in enduring marriages. Family Relations 1993; 42(1): 38-45.
22. Marsh R, Dallos R. Religious beliefs and practices and catholic couples management of anger and conflict. Clinical Psychology & Psychotherapy 2002; 7(1): 22-36.
23. Gottman JM. What predicts divorce? Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum Associates; 1994. p. 3-34.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]

www.mui.ac.ir

24. Collins NL, Read SJ. Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. J Pers Soc Psychol 1990; 58(4): 644-63.
25. Main M. Exploration, play, and cognitive functioning related to infant-mother attachment. Infant Behavior & Development 1983; 6(2): 167-74.
26. Azarbayejani M. Development and validation of the religious orientation in the light Islamic Resources. Tehran: Zeiton Press; 2006. p. 103-44. [In Persian].
27. Mikulincer M, Shaver PR. The attachment behavioral system in adulthood: Activation, psychodynamics, and interpersonal processes. In: Zanna MP, Editors. Advances in experimental social psychology. San Diego, CA: Academic Press; 2003. p. 35, 53-152.
28. Ditommaso E, Brannen-Mc Nulty C, Ross L, Burgess M. Attachment styles, social skills and loneliness in young adults. Personality and Individual Differences 2003; 35(2): 303-12.
29. Bouchard G, Lussier Y, Sabourin S. Personality and marital adjustment: Utility of the five- factor model of personality. Marriage and the Family 1999; 61(3): 651-60.
30. Tidwell MC, Reis HT, Shaver PR. Attachment, attractiveness, and social interaction: a diary study. J Pers Soc Psychol 1996; 71(4): 729-45.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]

www.mui.ac.ir

A study of Attachment Styles and religious attitudes as predictors of success or failure of marital relationship

Ghafouri Varnoosfaderani M.R[1], Golparvar M[2], Mahdizadegan I[3]

Abstract

Aim and Background: This study was aimed to investigate the possibility of predicting success or failure in marital relationships according to adult attachment styles and religious attitudes.

Method and Materials: This was a case-control study. The sample consisted of 49 divorce-seeking and 52 intact couples. The divorce-seeking and intact couples were respectively selected through convenient and cluster randomized sampling methods. All couples were evaluated by Shaver- Hazan's Adult Attachment Inventory and Azarbayejani's Religious Orientation Questionnaire. Data were analyzed using descriptive statistics as well as discriminate analysis.

Findings: The results confirmed that secure attachment style and religious attitudes have the power to predict success of the marital relationship. The results confirmed the detailed model presented in this study.

Conclusions: Findings revealed the fact that success or failure in marital relationship can be predicted by the variables of adult attachment and religious attitudes. The results of the prediction shows that when the couples have higher secure attachment style and lower avoidant and ambivalent attachment styles and also have firmer religious attitudes, the probability of success in their marital relationship will be higher.

Keywords: attachment styles, religious attitudes, success of marital relationship, failure of marital relationship, divorce.

Type of article: Research

Received: 11.01.2009 *Accepted: 01.07.2009*

1- Master of Science in Industrial and Organizational Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: ghafouri.mr@gmail.com
2- Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, Khorasgan Azad University, Isfahan, Iran.
3- Lecture, Department of Psychology, Khorasgan Azad University, Isfahan, Iran.

[Downloaded from rbs.mui.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.17352029.1388.7.2.4.9]
www.mui.ac.ir